



روابط بین شیخیه و حکومت قاجار

مکتب شیخیه در دوران قاجار از نفوذ بالایی برخوردار بوده و علمای شیخیه نیز مورد توجه شاهان قاجار بودند. اولین سبب این محبوبیت، روابط خانوادگی و قرابت مرحوم محمد کریم خان کرمانی اع با خاندان قاجار بود.

همانطور که گفته بودیم پدر مرحوم محمد کریم خان کرمانی اع، ابراهیم خان ظهیرالدوله می باشد که پسر عمو، پسرخوانده و داماد فتحعلیشاه و از امیران و فرمانروایان اوایل دوره قاجاریه و حاکم کرمان و سیستان بود. و همچنین مرحوم محمد کریم خان کرمانی اع نیز با یکی از نوه های فتحعلی شاه ازدواج کرده بود.

جدا از روابط فامیلی، فتحعلی شاه قاجار و جناب ابراهیم خان ظهیر الدوله بشخصه به شیخ احمد

احسائی اع ارادت داشتند، بطوری که شیخ احسائی اع به دعوت فتحعلی شاه به ایران سفر میکنند و مدتی را در شهر های مختلف مخصوصا یزد و تهران اقامت کرده و در این بین دو رساله به نام های خاقانیه و سلطانیه در پاسخ به پرسش های اعتقادی فتحعلی شاه مینویسند.

همچنین ابراهیم خان ظهیر الدوله نیز به ملاقات ایشان میرفته و با ارسال نامه و هدایا، علاقه و احترامش را نسبت به شیخ احمد احسائی اع نشان می داد. و پاسخ های شیخ مرحوم اع له نامه ها و مکتوبات ایشان مبین مراتب احترام و اعتماد متقابل است. و در همین راستا بود که ابراهیم خان به تبعیت از شیخ احسائی اع با صوفیه و دراویش نعمت الهی به سختی مخالفت کرده و اجازه فعالیت به ایشان نمیداد.

پس از فتحعلی شاه در زمان سلطنت محمد شاه به علت علایق و روابطش با صوفیه اوضاع تغییر یافته و دربار به حمایت از نقطه مقابل شیخیه یعنی صوفیه پرداخت. اما با آمدن ناصرالدین شاه و قرار گرفتن مرحوم کرمانی اع در اوج فعالیت های خود، دوباره شیخیه جانی دوباره گرفت.

در ابتدا بواسطه اتهاماتی که دشمنان مرحوم حاج محمدکریم خان اع بایشان بسته بودند و نامه‌هایی بناصرالدین شاه نوشته بودند که ایشان خیال سلطنت دارد، ذهن او را مشوب کرده بودند، لذا او نیز ابتدا اشخاصی را پنهانی فرستاد تا تحقیق کنند پس از تحقیق معلوم شد که مطلب بکلی دروغ بوده و حتی خود آن فرستادگان مرحوم کرمانی اع ارادت پیدا کردند و تا آنکه یکی از ایشان بناصرالدین شاه گفته بود این شخصی که من دیدم همه توجهش بخداوند است و بسلطنت ایران که سهل است بسلطنت دنیا هم اعتنائی ندارد.

پس از آن بود که ناصر الدین شاه هم ارادت پیدا کرد اما راه تعادل را در حمایت بین شیخیه و غیر ایشان پیش گرفته بود و به تمامی علما احترام میگذاشت اما عملا از شیخیه بوده و از مرحوم محمد کریم خان کرمانی اع تجلیل فراوان مینمود.

همچنین یکی از زن های ناصر الدین شاه به نام شکوه السلطنه (که مادر مظفرالدین شاه بود)، نوه ابراهیم خان ظهیر الدوله و خواهر زاده مرحوم محمد کریم خان کرمانی اع بود. و معلم ناصر الدین شاه جناب ملا محمود نظام العلماء نیز از شیخیه و از شاگردان شیخ احمد احسائی اع بود.

از موارد رجوع ناصر الدین شاه به مرحوم محمد کریم خان کرمانی اع، میتوان به رساله ناصریه، سلطانیه و رساله ای در رد باب اشاره کرد.

ناصریه رساله ای در مورد جهاد است که در زمان حمله قوای انگلیس به بوشهر به خواست ناصرالدین شاه توسط مرحوم محمد کریم خان کرمانی اع نوشته شد. سلطانیه نیز رساله ای در اصول دین است که به خواهش ناصر الدین شاه، مرحوم کرمانی اع مرقوم فرمودند.

و در آخر در جریان بابیه بود که ناصر الدین شاه به بزرگترین مخالف بابیه یعنی مرحوم کرمانی اع پناه برده و با استفاده از نفوذ معنوی و علمی مرحوم کرمانی اع به مقابله با فرقه بابیه پرداخت و با حمایت از شیخیه از قدرت گرفتن بابیه جلوگیری کرد.

همچنین برخی از مقربین ناصر الدین شاه مانند عبد العلی خان ادیب الملک وزیر وظایف و اوقاف که

حاکم مناطقی مانند قم، دامغان و سمنان بود نیز شیخی بوده و برای مرحوم محمد کریم خان کرمانی اع مقام علمی بالایی قائل بود، تا آنجا که سوالات خود در زمینه اقلیم شناسی ، هواشناسی و هیئت را هم از مرحوم کرمانی اع سوال می کرد و ایشان نیز رساله ای در همین موضوع در پاسخ به عبدالعلی خان تألیف کرده اند.

همچنین در سال 1283 ه ق مرحوم محمد کریم خان کرمانی اع به دعوت ناصر الدین شاه به تهران رفته و مورد توجه و عنایت خاص سلطان قرار گرفتند.

اما حمایت مظفر الدین شاه از شیخیه بیش اجداد خود بود، البته در دوران ایشان مرحوم محمد کریم خان کرمانی اع وفات نموده بوده و مظفرالدین شاه با مرحوم محمد خان کرمانی اع ارتباط داشت. بطوری که در فوت مرحوم محمد خان اع، دربار قاجار در تهران مجلس ختمی برگزار کرد که اغلب شاهزادگان، وزراء، امراء، اشراف و بزرگان قاجاریه در مراسم تعزیه شرکت نمودند.

مظفرالدین شاه از کودکی در مسلک شیخیه بوده و همانطور که در پیش گفته شد، مادرش شکوه السلطنه خواهر زاده حاج محمد کریم خان کرمانی اع بوده و از سوی دیگر اطرافیان و نزدیکانش از جمله خسرو خان برادر مرحوم کرمانی اع، پیشکار او در زمان ولیعهدی بود، نیز در تمایل او به شیخیه بی تأثیر نبودند. همچنین صدر اعظم مظفر الدین شاه ، جناب عبدالمجید عین الدوله نیز شیخی بود.

برخورد قاجاریه و شیخیه در کل مثبت بوده اما به فراخور اوضاع ، شرایط زمانه و گرایشات مذهبی هر یک از شاهان قاجار، سیاست های متفاوتی را اتخاذ کردند.